

الثانی و الثالث: اسمُ الفاعلِ و المفعول فاسمُ الفاعل ما دلَّ علی حدث (۱) و فاعله علی معنی (متعلق به دل) الحدوث فإن كان (هو=اسم فاعل) صله لال عمل مطلقاً و الا (و ان لم یکن صله) فیشرط کونه للحال و الاستقبال و اعتمادُه بنفی او استفهام او مخبر عنه او موصوف او ذی حال و لا یعمل (هو=اسم فاعلی که صله ال نیست) بمعنی الماضي خلافاً (حال) للكسائی (ناظر به شرط دوم است) (۲) و کلهم باسط ذراعیه بالوصيد، حکایه حال ماضیه. و اسم المفعول ما دل علی حدث و مفعوله (مفعول = نائب فاعل) و هو فی العمل و الشرط کاخیه.

(۱) تفاوت اسم فاعل و صفت مشبیهه در این است که اسم فاعل حدوثی است و صفت مشبیهه ثبوتی است و ملاک ثابت بودن عرفی است و زمان ندارد.
(۲) عمل نمیکند اسم فاعلی که به معنای فعل ماضی باشد در حالی که این مطلب مخالف با آن چیزی است که آقای کسائی میگوید.

شرایط عمل اسم فاعل:

دو دسته است:

۱. ال دار (ال موصوله)

○ حکم: بدون شرایط و مطلقاً عمل میکند. (تفسیر مطلقاً: چه حال و استقبال باشد یا نباشد و چه اینکه تکیه بر یکی از حالات خمسه ای که در پایین می آید داشته باشد چه نداشته باشد)
■ جاء الضاربُ زیداً

۲. بدون ال

○ شرط برای عمل کردن:

- (۱) باید زمان حال یا استقبال داشته باشد
 - (۲) اعتماد یا تکیه به یکی از اشیاء خمسه داشته باشد
- (۱) نفی

(۲) استفهام

(۳) مبتدا (مخبرٌ عنه) به این معنا که اسم افعال ناقصه و ... را نیز شامل میشود.

(۴) موصوف

(۵) ذوالحال

■ جاء زيدٌ ضارباً عمراً غداً / الان

شاهد در ضارب است که در عمراً که مفعول به اش است عمل کرده است و ال ندارد باید شرایط کنترل کنیم. شرط اول را دارد و شرط دوم هم این است که ضارباً تکیه بر زیدی دارد که ذوالحالش است.

■ اشکال: يا طالعاً جبلاً غداً

? در این مثال تکیه بر کدام مورد است؟

بعضی مورد ششمی اضافه کرده اند و آن حرف نداست و به نظر استاد میگوید که در این مورد طالعاً دارای موصوف محذوف است یعنی تقدیر جمله این است یا شخصاً طالعاً جبلاً غداً ...

! اما در عین حال به این مطلب تأمل باید کرد!!!

نکته: اگر شرایط فوق وجود نداشت به این معنا نیست که استعمال غلط است بلکه به این معناست که عمل نمیکند و میتوان استعمال کرد و به مابعدش اضافه اش کرد.

اشکال کسایی:

کلبهم باسطاً ذراعیه

پاسخ: آیه از قبیل حکایت حال ماضیه است.

حکایت حال ماضیه:

حال به معنای وضعیت است و ماضی هم به معنای گذشته است. فعلی در گذشته اتفاق افتاده است و متکلم برای نقل این حدث، فرض میکند که آن حدث الان در حال وقوع است. تعریف زمخشری: معنی حکایه الحال أن تُقَدَّرَ أن ذالک الفعل الماضی (حدثی که در زمان گذشته رخ داده) واقعٌ فی حال المتکلم.

? اگر حکایت حال ماضیه اتفاق بیافتد زمان افعالی که نقل میکنند چیست؟

حال است و با اینکه واقعه ماضی است اما افعال نقل کننده مضارع است و در این آیه فوق هم حکایت حال ماضیه است و زمانش حال است و زمان اسم فاعل در کلام حالیه است با اینکه واقعیت آن ماضوی است.

؟ اما سؤال این است که از کجا معلوم که این آیه حکایت حال ماضیه است؟ زیرا این صنعت کلامی، مجاز است و اصل در این است که حکایت ماضی باید با فعل ماضی باشد و استعمال به خلاف اصل نیازمند قرینه است، قرینه چیست؟

مشهور قرینه های بسیاری را ذکر کرده اند مثلا از ابتدای آیه و آیات قبلی مشاهده میکنیم که تمام افعال مضارع هستند در حالی که ماجرا متعلق به سالهای قبل بوده است و باید فعل ماضی استفاده میکرد است و این افعال مضارع قرینه های ارتکاب به مجاز حکایت حال ماضیه است.